

سخن مدیرمسئول

تعامل و توسعه

< سیدمحمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



دستیابی به نتیجه، آن را اجرائی می‌کنند. نکته مهمی که در راستای عملکرد این انجمن دیده می‌شود، پرداختن به موضوعات گوناگون، با بهره‌گیری از کارشناسان و حتی مقامات مسئول کشور است. به‌عنوان نمونه، در آخرین جلسه، علاوه بر حضور بزرگانی چون دکتر عارف، حجةالاسلام صدوقی (نوه شهید محراب) و کارشناسان معدن، معاون وزارت صنعت و معدن و مسئولینی چون صدرمحمدی مدیریت صنایع مس و ... حضور داشتند و به تفصیل درباره معادن یزد و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها بحث شد، حالا بماند که چهره‌های آشنایی چون دکتر شاهی رئیس اسبق دانشگاه یزد و نیز یونسکو، به‌شدت مخالف معدن بازی در یزد بودند، همچنین در جلسه دیگری بحث گردشگری مطرح بود که «این سخن بگذار تا وقت دگر».

دست‌اندرکاران امور اقتصادی و تولیدی و دلسوزان امر توسعه کرمان نیز هر از چند گاه یک‌بار جلسات مشابهی تشکیل می‌دهند که صد البته سایه تواضع کرمانی‌ها، بر سر این گردهمایی گسترده شده و انعکاس کمتری دارد.

از آنجا که می‌دانیم در سرزمین کهن و تاریخی یزد و کرمان، وجوهات مشترکی همچون پیشروی کویر، جایگاه معدن، صنعت گردشگری، مقوله قنات و بالاخره مسئله مهم روز یعنی آب و انتقال آن وجود دارد، لذا تعامل انجمن‌هایی چون شمیم و مجمع کرمانی‌ها و نیز برگزاری جلسات و نشست‌های مشترک می‌تواند در حصول نتیجه و به بار نشستن طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون مؤثر بوده و بر رونق اقتصادی بیفزاید و یک‌بار دیگر تاریخ این تعاملات را تکرار کند. قرار است نخستین جلسه مشترک دو استان، با مشارکت صاحبان نظر و خبرگان اقتصادی و تولیدی برگزار شود که بی‌گمان از هم‌اکنون می‌توان به توفیق این نشست امیدوار بود و مهر تأیید دیگری بر این ادعا زد که تعامل سازنده، یکی از راه‌های توسعه و پیشرفت به شمار می‌رود.

امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: العالم و المتعلم شریکان فی الرشد - تعلیم دهند و تعلیم گیرنده در پیشرفت یکدیگر شریکانند - اینک این پرسش مطرح است که اگر معلم و شاگرد می‌توانند از یکدیگر بیاموزند و راه پیشرفت را هموار سازند، چرا این منشور را به مدرسه اجتماع نبریم و بهره بیشتر و گسترده‌تری به دست نیاوریم. تاریخ بیانگر این واقعیت است که یکی از شرط‌های توسعه و پیشرفت، تعامل و پیوند بوده است، اصلی که هموار کننده این راه به شمار می‌رود، به‌عنوان نمونه پس از فاجعه آقا محمدخانی در کرمان و دستور مستقیم او به آقا تقی حاکم دست‌نشانده‌اش که: اگر در کرمان خشتی روی خشت گذاشته شود، چشم‌های تو را نیز در خواهم آورد - نخستین کسی که به داد کرمان و کرمانی‌ها رسید علی‌نقی خان یزدی بود که با گروهی بنا و مقئی به کرمان آمد و با ترمیم بخشی از خرابی‌ها و آباد کردن قنات‌ها، مسیر توسعه را برای همسایه شرقی خود همواره کردند و بار دیگر دارالامان رنگ امان و آبادی دید.

شاید یزدی‌ها به یاد داشتند که در قرن هشتم هجری قمری، ابوحامد افضل کرمانی به دعوت اتابکان یزد به این شهر رفته و نخستین بیمارستان را برای آن‌ها بنا کرد و زمینه توسعه، در راستای سالم‌سازی جامعه را هموار ساخت. این بده بستان‌ها تا آنجا ادامه یافت که اگر درصد قابل‌توجهی از توسعه و پیشرفت این دو استان هم‌جوار را مدیون این تعاملات بدانیم، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم.

با این مقدمه «باستانی» گونه عرض می‌کنم که مدتی است یزدی‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت، انجمنی به نام «شمیم» سامان داده‌اند و درصد قابل‌توجهی از بزرگان و ناموران و خبرگان اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی آن دیار را گرد هم آورده و هر بار موضوعی و مقوله‌ای را به نقد گذاشته و راه‌های بایسته، برای بهره‌گیری بیشتر از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند و پس از